

پیوندهای امت اسلامی

جزء ۲۱

الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ
بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا
أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا

أحزاب ۶

● علی فرامرزی



با توجه به دشوار بودن حفظ این آیه برای عموم مخاطبین، آیه مشابه دیگری با همین موضوع در صفحه بعد برای حفظ انتخاب شده است.

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ
 بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
 ﴿٥١﴾ فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَحْشَىٰ أَنْ
 تُصِيبَنَا آثَرُهُ فَعَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصِيبِحُوا عَلَىٰ
 مَا أَسْرَوْا فِي أَنفُسِهِمْ نَدِيمِينَ ﴿٥٢﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ
 أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ أَنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حِطَّتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا
 خَسِرِينَ ﴿٥٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي
 اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ
 يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ
 مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
 الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿٥٥﴾ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ
 وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حَرْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٥٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا
 الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾



حفظ کنیم



قرائت تحقیق



﴿تَمَّا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ ولی، [حاکم و هم جبهه] شما فقط خدا و [در طول او] رسول خدا و مؤمنانی هستند ﴿الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾ که نماز برپا می‌دارند [و به دنبال توسعه یاد خدا در جامعه هستند] ﴿وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ و در حال رکوع، [حال خشوع و تسلیم کامل نسبت به خدا،] زکات می‌دهند [و وظایف اجتماعی‌شان را انجام می‌دهند. حکومت خدا در تبعیت مردم از همین نمایندگان او متجلی می‌گردد و دین‌داری در تبعیت از رسول و جانشینان او در امر نمایندگی از خداست. جانشینانی که کاملاً تابع خدا هستند و مانند رسول، تنها امر خداوند را اجرا می‌کنند.]



ببینیم



بشنویم



بیاموزیم

﴿التَّيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا﴾^۱

انسان به شکل فطری موجودی اجتماعی است؛ یعنی همه افراد بشر نیاز به ارتباط داشتن با یکدیگر دارند. در طول تاریخ رفته رفته این ارتباطها تغییراتی داشته و گسترش یافته است؛ مثلاً در دنیای امروز افراد، هم روابط درون خانوادگی دارند و هم در درون یک شرکت یا مجموعه‌ای که کار می‌کنند، با افرادی مرتبط هستند و هم در داخل شهر و کشورشان ارتباط‌هایی با هم‌وطنانشان دارند و حتی بین کشورها نیز روابطی وجود دارد. هرکدام از این ارتباطات، ماهیتی مخصوص و هدفی جداگانه دارد و بر اساس همین روابط ارزش‌های آن‌ها متفاوت می‌گردد.

به‌طور کلی می‌توان گفت: هرچند اسلام به انواع روابط توجه داشته و توصیه‌هایی در مورد هرکدام دارد، اما آنچه در فرهنگ اسلامی ارزش بیشتری دارد و به عبارت دیگر، آنچه اصل است، روابط بین مؤمنین است. این بُعد در اسلام چنان رتبه و مقامی دارد که در روایات، مؤمنین را برادر یکدیگر معرفی کرده‌اند و الفاضی همچون «اخَّ لَكَ فِي الدِّينِ»^۲ فراوان به چشم می‌خورد.

با این مقدمه، اکنون به بحث دیدگاه کلی اسلام به روابط داخلی جامعه مسلمین و روابط بین‌الملل می‌پردازیم. ما در اسلام معنای گران‌قدری به نام «ولایت» داریم که به معنای همین پیوستگی است. جامعه، یک هدف و جهت‌گیری مشخص دارد و در کنار آن، دشمنانی نیز هستند. جامعه دینی برای مبارزه با این دشمنان و حرکت به سوی اهداف، نیاز به یک پیوستگی و درهم‌تنیدگی دارد. مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرماید:

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۱. احزاب، آیه ۶.

این جامعه به یک نقطه‌ای احتیاج دارد که تمام نیروهای داخلی به آن نقطه پیوندند؛ همه از آنجا الهام بگیرند و همه از او حرف بشنوند و او تمام جوانب مصالح و مفاسد را بداند.^۱

این معنای ویژه ولایت شیعی است که خط و مسیر را نشان می‌دهد. با خط‌دهی همین رهبر و امام، جامعه مسلمان روابطش را با افراد دیگر درون جامعه و جوامع دیگر تنظیم می‌کند. این معنا در اسلام چنان قداستی دارد که خداوند تعالی در قرآن می‌فرماید: «**الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ**»؛^۲ یعنی پیغمبر ﷺ اولی و سزاوارتر بر مؤمنین از خودشان است و این یعنی افراد باید فرمان ولی را بر نظر خودشان ترجیح بدهند تا آن پیوستگی برقرار شود و جامعه هم در مقابل دشمنان دژی مستحکم باشد تا در رسیدن به اهدافش موفق شود.

﴿**وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا**﴾. ذیل این آیه شریفه در تفسیر (مجمع البیان) می‌خوانیم:

پیامبر اکرم ﷺ میان مسلمانان (انصار و مهاجرین) عقد اخوت بسته بود؛ به‌گونه‌ای که مثل برادر حقیقی از یکدیگر ارث می‌بردند؛ زیرا مهاجران در آغاز، از وطن و اموال و بستگان خود دور شده بودند و عقد اخوت، این موارد را جبران می‌کرد، تا آنکه آیه نازل شد و چنین ارثی را لغو کرد.^۳

شاهد مثال ما در آن قسمتی است که بین افراد جامعه مسلمین آن چنان الفت و صمیمیتی برقرار گشته بود که برادر دینی خود و هم‌کیش خود را تا حدی مانند خانواده خود می‌دانستند که سهم ارث هم برای آن‌ها در نظر می‌گرفتند. چنین هم‌بستگی و پیوندی در میان افراد جامعه باعث چنان درخششی در تاریخ می‌شود که جامعه نوپای مسلمین در مقابل لشکریان

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی، جلسه بیست و چهارم، دسترسی در:

https://manviate.ir/links_of_the_islamic_ummah

۳. قرآنی، تفسیر نور، ج ۷، ص ۳۳۱.

۲. احزاب، آیه ۶.



مجهز کفار در جنگ‌های پیاپی به پیروزی می‌رسد و در کمتر از یک قرن به چنان قدرتی بدل می‌شود که کاخ‌های روم و ایران را به لرزه درمی‌آورد. در آیه‌ای دیگر آمده است:

﴿وَإِنْ طَافَتَا مِنْ الْمُؤْمِنِينَ أَقْتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ مُجِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾^۱

روابط و پیوستگی افراد جامعه آن قدر اهمیت دارد که در آیه شریفه می‌فرماید: اگر میان دو گروه مؤمنین درگیری و جنگ پیش آمد، در مرحله اول باید تلاش کنید تا میانشان صلح ایجاد کنید؛ ولی اگر یکی از آن‌ها بر دیگری ظلم کرد، با آن گروه بجنگید تا به حکم خداوند بازگردد و آن‌گاه بینشان به عدالت صلح برقرار کنید تا به هم پیوستگی در بین افراد جامعه برهم نخورد.

اما در زمینه روابط بین‌المللی و با جوامع دیگر، اسلام نظرش بر این است که: روابط باید به طوری تنظیم شود که یک دژه تحت فرمان آنها قرار نگیرد؛ یک دژه تحت تأثیر افکار آنها قرار نگیرد.^۲

به بیان دیگر: روابط با جوامع دیگر نباید به گونه‌ای باشد که زحمات جامعه مسلمین در رابطه با ولایت و پیوستگی بین افراد خودش را از بین ببرد. در قرآن کریم نیز قاعده کلی ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾^۳ در این باره بیان شده است.

داستان معروفی اینجا هست مربوط به زمان امام باقر علیه السلام است که سکه عالم اسلام را از کشور روم می‌آوردند و او یک تهدیدی کرد و اینها ماندند

۱. حجرات، آیه ۹.

۲. طرح کلی اندیشه اسلامی، جلسه بیست و چهارم، دسترسی در:

https://manviate.ir/links_of_the_islamic_ummah

۳. نساء، آیه ۱۴۱.



درمانده؛ آن وقت امام علیه السلام دستگاه خلافت را ارشاد کرد. خیلی عجیب است! این تنها نکته‌ای است - یکی، دو مورد استثنایی - که بنده می‌بینم که ائمه هدی علیهم السلام مختصر روی خوشی به دستگاه خلافت نشان دادند.^۱ کار در زمان پهلوی به جایی رسیده بود که شاه خائن برای اینکه فلان کس را به عنوان نخست‌وزیر معین بکند، مجبور بود با سفیر انگلیس و بعدها با سفیر آمریکا در میان بگذارد!^۲

چنین روندی اگر مدت کوتاهی بر فضای جامعه حاکم باشد، طبیعتاً جامعه به سمتی می‌رود که از سر تا نوک پا همه ظاهرش را شبیه غیرمسلمانان کند و رفته‌رفته فرهنگ آنها را بپذیرد؛ زبان خود را فراموش و زبان بیگانه را جایگزین کند و اصالت و تاریخ خود را به فراموشی بسپارد و قدرت نظامی خود را از دست بدهد و ناگزیر هر روندی را که دشمنان برگزینند، پیش ببرد. این روند باعث خودباختگی ملت می‌شود و در نتیجه، ولایت و پیوستگی بین افراد جامعه نیز از بین می‌رود. قضیه قرارداد «رژئی» و ماجرای تحریم تنباکو هم تبلور کامل همین وضع در دوران پهلوی است. ویرانی‌های «کمپانی هند شرقی»^۳ نیز یکی دیگر از تبلورهای رعایت نکردن همین توصیه اسلام در روابط بین‌الملل است. البته این محدودیت در روابط که اسلام بیان می‌کند، به معنای قطع رابطه با جوامع دیگر نیست؛ بلکه ما ناچار از ارتباطات بین‌المللی هستیم. پس جامعه مسلمان با جوامع دیگر پیوند دارد، اما:

۱. همان.

۲. بیانات در جمع مردم استان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۲، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6642>

۳. کمپانی «هند شرقی» یک شرکت سهامی عام انگلیسی بود که با دریافت امتیازنامه‌ای از ملکه انگلستان و امتیازاتی انحصاری از فرمانروای هندوستان توانست به سود سرشاری دست یابد. این کمپانی کم‌کم به بهانه دفاع از اموال خود و... نیروی نظامی در هندوستان مستقر کرد و عملاً این کشور بزرگ را جزو مستعمرات بریتانیا ساخت.

پیوند جوهری و ماهوی با آنها ندارد. آن جوری نخواهد بود که اگر آنها
خواستند، بتوانند عالم اسلام را تحت تأثیر خودشان قرار بدهند.^۱

اندیشه شیعه در بحث ولایت نیز در زمینه روابط بین الملل تأثیرات ویژه‌ای
دارد؛ زیرا آن جامعه به هم پیوسته دینی را با یک مغز متفکر واحد خط‌دهی
می‌کند و تا جایی که از دایره ولایت خارج نشوند، نمی‌گذارد که اشتباهی از
آنها سر بزند: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾.^۲

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی، همان.

۲. مانده، آیه ۵۶.